

فصل‌نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۸

مسئله ایمان؟ سرکوب مذهبی و تمرکز سیاسی در شاهنشاهی ساسانیان در

دوره یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷ میلادی)^۱

اسکات مک‌دانا^۲

ترجمه محمد حیدرزاده^۳ و سلمان رئیسی^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۷

«و تهم-یزدگرد به آن مکانی رفت که نامش بیت تتاه^۵ بود، جایی که شهیدان روزگار پادشاهی شاپور [شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹)] به قتل رسیده بودند، بر تخت قضاوت نشست و در مقابل مردم ابزارهای متفاوت شهادت را نمایش داده و به آنها گفت: «شاه یزدگرد این دستور را داد که اگر شما فرمان شاهانه ایشان را گردن ننهید و به میل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

McDonough, Scott. "A Question of Faith? Persecution and Political Centralization in the Sasanian Empire of Yazdgard II (438-457 CE)," in *Violence in Late Antiquity Perceptions and Practices*, Edited By H.A. Drake, London: Routledge, 2006. pp 67-80.

این مقاله پیش‌تر در پنجمین کنفرانس دوسالانه تغییر مرزها در باستان متأخر: خشونت، قربانیان، و سرکوب در باستان متأخر

(ستتا باربارا، کالیفرنیا، ۲۰ مارس ۲۰۰۳ میلادی) ارائه شده بود تحت عنوان:

"Three Faces of Persecution: Manifestations of Religious Conformity and Dissent in the Sasanian Empire of Yazdgard II (438-457 CE)"

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه ویلیام پترسون mcdonoughs21@wpunj.edu

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران m.heidarzadeh@ut.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه تهران salmanraeisi94@gmail.com

5. Beth Teta

او عمل نکنید، اگر خداوند بزرگ، خورشید را نپرستید و آب و آتش و فرزندان هرمزد را عبادت نکنید، آن گاه زندگی شما با این ابزار و وسایل تخریب خواهد شد».^۱

این بند از کتاب سده ششمی تاریخ کرخا بیت سلوک،^۲ با لحن شورانگیز یک تذکره شهدای مسیحی مقدمه‌ای بی‌واسطه درباره کشتار عظیم مسیحیان کرخا (کرکوک امروزی در شمال عراق)، مرکز شهر بیت گرمایه^۳ در سال ۴۴۶ ارائه می‌کند.^۴ بر اساس گزارش‌هایی همچون آنچه که در تاریخ کرخا آمده است، تاریخ‌دانان جدید عموماً از دوره پادشاهی یزدگرد دوم، شاهنشاه ساسانی، به عنوان دوره‌ای از سرکوب مذهبی بی‌رویه اقلیت‌ها که ناشی از تعصب مذهبی و پارانویای شاه است صحبت می‌کنند.^۵ در حالی که برخی از شواهد، شخصیت‌پردازی‌هایی این چنینی از یزدگرد و روش حکومت او را تأیید می‌کنند، اما سه مورد آزار دینی در دوره پادشاهی او را به سختی می‌توان تبعیض‌آمیز دانست. پژوهش‌های تازه که به شدت بر چارچوب تفسیری مسیحیان از تذکره‌های قدیسان متکی است، تمایز مهم میان قصد دولت ساسانی و نتایج نهایی تلاش‌های آن‌ها را کم‌اهمیت جلوه داده است. با در نظر گرفتن این مسئله، مطالعه دقیق این منابع روشن می‌کند که روابط یزدگرد، هم با مسیحیان کلیسای شرقی و ارمنی و هم با یهودیان بابل، بخشی

1. P. Bedjan ed., *Acta martyrum et sanctorum syriace* (Leipzig, 1891) [=AMS] 2.522–3 [*History of Karka de Beth Selok* =AMS 2.507–35]; G. Hoffmann, *Auszüge aus syrischen Akten persischer Märtyrer* (Leipzig, 1880) 43–60 and O. Braun, *Ausgewählte Akten persischer Märtyrer Bibliothek der Kirchenväter* 22 (Kempten and Munich, 1915) 179–87, provide German translations and commentaries of the *History of Karka*; P. Peeters, *Bibliotheca hagiographica orientalis* (Brussels, 1910) 154 [=BHO 705].

2. *History of Karka de Beth Selok*

3. Beth Garne

۴. درباره جغرافیا:

J.-B. Chabot ed., *Synodicon Orientale ou recueil de synodes nestoriens* (Paris, 1902) 617, 665–85; R. Gyselen, *La Géographie administrative de l'Empire sassanide* (Paris, 1989); J.M. Fiey, *Pour un Oriens Christianus Novus: Répertoire des diocèses syriaques orientaux et occidentaux* (Beirut, 1993).

5. T. Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber zur Zeit der Sasaniden* (Leiden, 1878) 114

n. 1; J. Labourt, *Le Christianisme dans l'Empire perse sous la Dynastie sassanide (224–632)* (Paris, 1904) 126–30; E. Sachau, "Von den rechtlichen Verhältnissen der Christen im Sasanidenreich," *Mitteilungen des Seminars für orientalische Sprachen* 10 (1907) 79; A. Christensen, *L'Iran sous les Sassanides, deuxième édition revue et augmentée* (Copenhagen, 1944) 282–9; R.N. Frye, *The History of Ancient Iran* (Munich, 1983) 320–1; R.N. Frye, "The Political History of Iran Under the Sasanians," in E. Yarshater ed., *Cambridge History of Iran*, Volume 3.1 (Cambridge, 1983) [=CHI 3] 146–7; J. Neusner, "Jews in Iran," *CHI* 3.2 915–6; J.P. Asmussen, "Christians in Iran," *CHI* 3.2 941–2; M.G. Morony, "Sasanids," in H.A.R. Gibb, et al. eds, *Encyclopaedia of Islam* second edition (1960–) [=EI2] 9.76.

منبع آخر، به‌رغم طول کوتاه آن، بی‌طرفانه‌تر است.

از یک برنامه نظام مند و بلندپروازانه تمرکزگرا بود که در تلاش برای رفع نگرانی‌های واقعی و بالقوه مرتبط با وفاداری غیر زردشتی‌ها ایجاد شد. امتناع غیر زردشتی‌ها از پذیرش این اقدام، ناگزیر منجر به زنجیره اسفباری از مقاومت، خشونت، و در نهایت کشتار وسیع شد که دوره پادشاهی یزدگرد را تعریف کرده است.

مورخان معاصر، دوره پادشاهی یزدگرد دوم را به صورت دقیق و پیگیر تحلیل و بررسی نکرده‌اند. در واقع، سرتاسر سده میان مرگ شاپور دوم، و آغاز پادشاهی قباد یکم (۴۸۸-۴۹۶؛ ۴۹۸/۹-۵۳۱) توجهات اندکی را در پژوهش‌های جدید جلب کرده است، حتی به نسبت استانداردهای محدود مطالعات ساسانی. توجه اندک پژوهشگران مدرن به این دوره احتمالاً می‌تواند ناشی از فقدان گزارش‌های موجود در زبان‌های کلاسیک، و نیز توجه محدود تاریخ‌نگاری عربی سده‌های میانه به این دوره، و کمبود شواهد مکتوب معاصر باشد.

با این حال، آثاری اندک، اما در حال افزایش، درباره وضعیت دینی اقلیت‌ها در ایران وجود دارد. مقاله کوتاه براک تحت عنوان «مسیحیان در شاهنشاهی ساسانی: یک مورد از وفاداری تقسیم‌شده» که به طور خاص به سرکوب مذهبی مسیحیان در دوره ساسانی می‌پردازد، به خوبی صورت این پرسش را در یک سنت تحلیلی ارائه می‌دهد که به اثر ۱۹۰۴ لاپورا تحت عنوان مسیحیت در ایران دوره ساسانی^۲ باز می‌گردد.^۳ براک عقیده دارد که اقلیت‌های مذهبی عموماً از ترویج دین زردشتی از سوی شاهنشاهی ساسانی و تعصب فردی روحانیون زردشتی لطمه دیدند. ریزش پایگاه پیروان زردشتی به واسطه تبلیغات مذهبی مسیحیان، احساساتی را علیه مرتدان و کشیش‌های مسیحی که آن‌ها را «گمراه» کرده بودند شعله‌ور کرد. با این حال، به نظر براک، تنها نمونه‌های سرکوب خشونت‌بار، گسترده، و با سازمان‌دهی از مرکز مسیحیان در

1. J. Labourt

2. *Le christianisme dans l'Empire perse sous la Dynastie sassanide*

3. S.P. Brock, "Christians in the Sasanian Empire: A Case of Divided Loyalties," in S. Mews ed., *Religion and National Identity: Studies in Church History* 18 (1982) 1-18.

براک با لاپورا آغاز می‌کند و یک بررسی کوتاه درباره ادبیات کلیسای شرق را فراهم می‌آورد. در این زمینه باید آثار زیر را نیز

افزود:

W.S. McCullough, *A Short History of Syriac Christianity to the Rise of Islam* (Chico, CA, 1982) and W. Baum, D.W. Winkler, *The Church of the East* (London, 2003).

شاهنشاهی ساسانی، همواره با دوره‌های کشمکش‌های مرزی میان ایران و امپراتوری روم که به‌طور فزاینده‌ای در حال مسیحی‌شدن بود همبستگی دارد.

متأسفانه الگوی براک قادر به توضیح کامل اکثر ابعاد پیچیده‌تر سرکوب در میانه سده پنجم نیست. به‌طور خاص، دامنه گسترده تلاش‌های یزدگرد—به‌طور مستقیم علیه ارمنی‌ها، مسیحیان آرامی، و نیز یهودیان بابل—و تلاش‌های منحصر به‌فرد نمایندگان شاه برای تغییر دین تعداد زیادی از مسیحیان به دین زردشتی، برخلاف تحلیل براک به نظر می‌رسد.^۱ در واقع براک تنها محاسن و خدمات دوره پادشاهی یزدگرد را بیان کرده‌است.^۲ دیگر نویسندگان جدید، این دوره را به زبان جدلی تذکره‌های مسیحی و با اشاره به «بنیادگرایی مذهبی» یا «تعصب سلطنتی» سیستماتیک یزدگرد و مقامات او توصیف می‌کنند.^۳ مایکل مورونی به شدت با این نظر مخالف است و ادعا می‌کند که در دوره پادشاهی یزدگرد «... شاهد آغاز تلاش‌های جدی برای گسترش نوعی از دین زردشتی و ایجاد یک هویت یکنواخت مذهبی در میان ساسانیان هستیم، شبیه به تلاش‌های معاصر توسط بیزانس برای مقابله با مجادله‌های نسطوری و مونوفیزیستی».^۴ متأسفانه مورونی درباره این ادعا جزئیاتی را ذکر نمی‌کند، اگرچه مطالعه انتقادی منابع بعضی از نقطه قوت‌های این ادعا را نشان خواهد داد.

برای روشن کردن وقایع آن دوره چه منابعی باقی مانده‌اند؟ عمده توصیفات از دوره پادشاهی یزدگرد دوم در شهادت‌نامه‌های سُرّیانی و ارمنی وجود دارند. در استفاده از این تذکره‌ها به عنوان شواهد تاریخی باید احتیاط زیادی به خرج داد. جدل‌های مذهبی نویسندگان این متون مبنی بر این که مقاومت و فداکاری، برتری اخلاقی مسیحیان، و حقانیت نهایی ایمان آن‌ها را ثابت می‌کند، همراه با پایبندی تذکره‌نویسان در تقلید از کهن‌الگوهای قدیمی‌تر سبب شده‌است مرز بین واقعیت و مضامین رایج شهادت‌نامه‌ها مبهم شود. آیا روش‌های دقیق سرکوب که در این منابع توصیف شده‌اند، منعکس‌کننده عرفی شهادت‌نامه‌نگاری است که از درون سنت

1. Brock, "Christians," 14–5.

2. Ibid., 5, 7 n. 29.

3. Asmussen, "Christians in Iran," 942; W.G. Young, *Patriarch, Shah and Caliph* (Rawalpindi, 1974) 56.

4. Morony, "Sasanids," 76.

تذکره‌نویسی رومی توسعه یافته‌است؟ آیا رساله‌های اعمال شهدا در دوره شاپور دوم، از اعمال بعدی مورد اقتباس قرار گرفته‌اند یا خاطراتی معتبر از این اعمال در دوره یزدگرد دوم هستند؟^۱ پاسخ این پرسش‌ها روشن نیست. با این وجود، بولانیان^۲ تلاش‌های زیادی برای تعیین ارزش و محدودیت‌های شهادت‌نامه‌های دوره ساسانی به‌عنوان مدرک تاریخی انجام دادند، از جمله شهادت‌نامه‌های دوره پادشاهی یزدگرد دوم.^۳ شواهد داخلی نشان می‌دهند که روایات اصلی گزارش‌های مسیحیان سریانی و ارمنی در دوره پادشاهی یزدگرد دوم، بر اساس رویدادهایی که هنوز در خاطر مردم باقی مانده بود نوشته شده‌اند. به نظر می‌رسد یادبود سالیانه شهیدان کرخا بیت سلوک در زمان جاثلیقی بابوی (حدود ۴۵۰-۴۸۴) نوشته شده‌است، تقریباً در زمان مرگ پیروز (۴۵۷-۴۸۴).^۴ متن موجود از تاریخ کرخا بیت سلوک احتمالاً به‌طور مستقیم مربوط به

1. G. Wiessner, *Zur Märtyrerüberlieferung aus der Christenverfolgung Schapurs II: Abh. der Akademie der Wissenschaften zu Göttingen, Phil.-hist. Kl. 3/67* (Göttingen, 1967).

2. Bollandists

بولانیان انجمنی از عالمان، واژه‌شناسان، و مورخان مسیحی هستند که از ابتدای سده هفدهم دربارهٔ قدیس‌نگاری و فرقه‌های مقدس در مسیحیت مطالعه می‌کنند (م).

3. P. Devos, "Les Martyrs persans à travers leurs Actes syriaques," *Atti del Convegno sul tema: La Persia e il mondo Greco-Romano* (Rome, 1966) 213-25.

یک فهرست بسیار مفید از قدیس‌نگاری‌های ساسانی و مطالعات مدرن زبان‌شناسی را فراهم می‌کند. مطالعات گزارش‌های شهادت‌نامه‌ها در دوره یزدگرد دوم:

J. Corluy, "Historia sancti Mar Pethion martyris syriace et latine edidit nunc primum ex. Cod. Londinensi (Addit. mss- 12174)," *AB 7* (1888) 5-44; L.H. Gray, "Two Armenian Passions of Saints in the Sasanian Period," *AB 67* (1949) 361-76; J.M. Fiey, "Vers alrèhabilitation de l'Histoire de Karka d'Béth Sloh," *AB 82* (1964) 189-222.

4. *AMS* 2.531-535; Fiey, "Vers la réhabilitation," 211-22.

به‌نظر می‌رسد که این نکته به‌واسطهٔ وجود بندی در *رویدادنامهٔ آربلا* تأیید می‌شود:

Chronicle of Arbel: P. Kawerau ed., *Die Chronik von Arbela, CSCO 467-8* [=Scriptores Syri 199-200] (Leuven, 1985) [=Chron. Arbel] 70-1.

از سوی دیگر، بحث دربارهٔ قدمت، صحت، و نویسندهٔ *رویدادنامهٔ آربلا* در مطالعات سریانی همچنان مطرح است. برای

یک ارزیابی مفید از متن و استدلال‌های موافق و مخالف دربارهٔ صحت این متن، همراه با کتاب‌شناسی، نک:

O.J. Schrier, "Syriac Evidence for the Romano-Persian War of 421-422," *GRBS* 33 (1992) 82-3, n. 26-7.

شریر نتیجه می‌گیرد که هستهٔ اصلی این اثر می‌بایست رویدادنامه‌ای ناشناس باشد که پیش از سال ۵۶۹ میلادی کتابت

شده‌است. برای یک بررسی جدید، با رویکردی شکاکانه‌تر، نک:

C. Jullien, F. Jullien, "La Chronique d'Arbèles. Propositions pour la fin d'une controverse," *OrChr* 85 (2001) 41-83.

این یادبود سالیانه باشد. افزون بر این، شهادت‌نامه سریانی آدور-هرمز، *آناهید*، و *پثیون*^۱ جزئیات معتبری درباره اعمال و اعتقادات زردشتی‌ها و زروانی‌ها در سده پنجم را ارائه می‌دهد.^۲ کتاب *تاریخ ارمنستان* اثر مورخ و متکلم ارمنی، غازار پاربتسی، اثری که بسیار مدیون سنت تذکره‌نویسی است نیز محصول اواخر سده پنجم است.^۳ ضمناً، *تاریخ وارتان* نوشته یغیشه وارداپت که بیش‌تر مورد ارجاع واقع می‌شود، به‌طور حتم آفریده اواخر سده ششم است، و تا حدی می‌توان آن را شرح و تفسیر تصنعی مطالب کتاب غازار دانست.^۴

طیف دیگری از منابع، جزئیات این دوره را پوشش می‌دهند. رساله جدلی بدون عنوان ارمنی، اثر یزینیک کوغباتسی^۵ که به‌طور سنتی ددئو نامیده می‌شود، از الگوی زروانی دین زردشتی که توسط یزدگرد ترویج شده صریحاً انتقاد می‌کند و به احتمال قوی زمان نگارش آن به اواخر دهه ۴۴۰ برمی‌گردد.^۶ در مقابل، تواریخ خاخامی، مانند *رساله شیریرا* محصول اواخر دوره گائونیک هستند، اگرچه صحت محتوای آن‌ها گاهی اوقات در منابع مستقل تأیید شده‌است.^۷ به همین منوال، رویدادنامه‌های متأخر سریانی و عربی (حدود ۸۰۰-۱۲۵۰) محتوای روایات متقدم را تأیید

1. *Acts of Adur-Hormizd, Anahid, and Pethion*

2. AMS 2.559–631 [=Acts of Adur-Hormizd, Anahid, and Pethion]; J. Corluy, "Historia sancti,"

این منبع از روایت خطی دیگری به *اعمال* پثیون استناد کرده‌است؛

N. Sims-Williams, *The Christian Sogdian Manuscript C2* (Berlin, 1985) 31–68:

این منبع نیز دربردارنده ترجمه‌ای ناقص از این سلسله اتفاقات است؛

BHO 25 [=7], 47 [=11], 923–5 [=203]. J.P. Asmussen, "Acts of Adur-Hormizd and of Anahid," in E-Yarshater, et al. eds, *Encyclopaedia Iranica* (London and Costa Mesa, CA, 1987–) [=EIr] 1.430.

3. G. Ter-Mkrtd'ean, S. Malxasean eds, *Patmut' iwn Hayoc'* (Tiflis, 1904) [=Lazar]. R.W. Thomson, *The History of Lazar P'arpec'i* (Atlanta, 1991) 1–8. See the Armenian *passio* of Atom for a more overtly hagiographical text, L. Alishan ed., *Sup'erk' Haykakank'* (Venice, 1853–61) 19.69–82; Grey, "Two Armenian Passions," 369–76; *BHO* 119 [=29–30].

4. E. Ter Minasean ed., *Elishei vasn Vardanay ew Hayoc' paterazmin* (Erevan, 1957) [=Elishe]. R.W. Thomson, *History of Vardan and the Armenian War* (Cambridge, MA, 1982) 25–9.

5. Eznik Kolbac'i

6. L. Maries, C. Mercier eds and tr., *De Deo, Patrologia Orientalis* 28 (Paris, 1958) [=Eznik]; M.J. Blanchard, R.D. Young, *A Treatise on God Written in Armenian by Eznik of Kolb (floruit ca.420–ca.450), Eastern Christian Texts in Translation 2* (Leuven, 1998); J.R. Russell, "Eznik of Kolb (Kolbac'i)," *EIr* 9.a.2.129–30.

7. Neusner, "Jews in Iran," 913–23.

می‌کنند و ممکن است با تغییرات محدودی، بخش‌هایی از نوشته‌های تاریخی پیشین را در خود حفظ کرده باشند، مانند سالنامه‌های گم‌شده دودمانی ایرانی میانه و تواریخ.^۱ این منابع علی‌رغم کاستی‌های شان روایتی منطقی و منسجم از روابط یزدگرد با غیر زردشتیان شاهنشاهی‌اش را به دست می‌دهند. اقلیت‌های دینی در ایران دوره ساسانی از دیرباز با سرکوب مذهبی دست و پنجه نرم می‌کردند. از زمان تأسیس سلسله ساسانی، پادشاهان ساسانی به طرق مختلف بر زردشتی بودن شان تأکید می‌کردند مثلاً با ایجاد آتشکده‌ها، استخدام روحانیون به عنوان مقام‌های دولتی، جای دادن آتش‌دان در پشت سکه‌ها، و اشاره رسمی به خودشان تحت عنوان «بغ مزدپرست، شاهنشاه ایران و انیران، که چهر از ایزدان دارد».^۲ سرکوب‌های گسترده، حبس، و اعدام مسیحیان و دیگر اقلیت‌های دینی، در کنار ترفیع دین زردشتی توسط ساسانیان گسترش یافت و در دوره پادشاهی شاپور دوم، در اوایل دهه ۴۲۰، و نهایتاً در دوره پادشاهی یزدگرد دوم به نقطه اوج رسید.^۳ با این حال، متون متقدم ارمنی و سریانی تأیید می‌کنند که یزدگرد در هفت سال نخست پادشاهی‌اش نسبت به مسیحیان تساهل مذهبی داشته یا دست کم نسبت به سرنوشت‌شان بی‌اعتنا بوده‌است. با این وجود، هنگامی که لشکرکشی‌های نظامی‌اش در شمال شرق علیه قبایل هون بی‌نتیجه پیش رفت، یزدگرد نسبت به وفاداری سپاهش نگران شد.^۴ به‌طور دقیق‌تر، بر

۱. نمونه‌ها:

L. Sako, "Les sources de la Chronique de Séert," *Parole de l'Orient* 14 (1987) 155–66; J. Howard-Johnston, "The Two Great Powers in Late Antiquity," and Z. Rubin, "The Reforms of Khusro Anushirwan," in A. Cameron ed., *Studies in Late Antiquity and Early Islam: The Byzantine and Islamic Near East: III States, Resources and Armies* (Princeton, 1995) 157–226, 227–98.

2. R. Göbl, *Sasanian Numismatics* (Würzburg, 1971) table xv; Morony, "Sasanids," 71.

3. P. Gignoux ed., *Les quatre inscriptions du Mage Kirdir*, *Studia Iranica* 9 (Paris, 1991); P. Gignoux, "Church-State Relations in the Sasanian Period," in S. Mews ed., *Religion and National Identity* (Oxford, 1982) 72–82; Morony, "Sasanids," 72–3. Shapur II: Sozom. *Hist. eccl.* 2.9–15; Morony, "Sasanids," 74; R.W. Burgess, "The Dates of the Martyrdom of Simeon Bar Sabba'e and the 'Great Massacre'," *AB* 117 (1999) 9–66.

4. Elishe 11–2.

غازار برخلاف یغیشه به چنین رخدادی اشاره نمی‌کند، هر چند او نیز به‌مانند یغیشه جنگ آخر یزدگرد با «کوشانی‌ها» را

ذکر می‌کند:

Lazar 86–7; Elishe 141–2.

اساس تاریخ کرخا بیت سلوک، یزدگرد به دلیل شکست هایش در جنگ در آسیای مرکزی، مسیحیان را سرزنش کرد.^۱

یزدگرد در هشتمین سال پادشاهی اش،^۲ نخستین سرکوب خود را به جریان انداخت. این سرکوب شامل انواع اقدامات سرکوبگرانه علیه مسیحیان نسطوری سریانی زبان بود، از جمله اخراج مسیحیان از سپاه، آغاز تفتیش عقاید^۳ علیه اشرافیان مسیحی کرخا بیت سلوک با هدف تغییر دین این اشراف به دین زردشتی، اقدام به مصادره اموال مسیحیان، تنبیه مرتدان زردشتی که به مسیحیت گرویده بودند، و به طور کلی، ایجاد فضایی خصومت‌آمیز علیه مسیحیان.^۴ اوضاع به سرعت از کنترل مقامات ساسانی خارج شد، به طور چشمگیرتر در کرخا، جایی که هزاران مسیحی از اقصی نقاط بیت گرمایه و آدیابنه برای حمایت از اشرافیان و روحانیون محبوس خود جمع شده بودند. تلاش‌ها برای آرام کردن اوضاع و برقراری نظم، به سرعت به خشونت و کشتار وسیع مسیحیان انجامید، که از بارزترین آن می‌توان به کشتار «شهدای کرخا بیت سلوک» و زردشتیان نوگرویده به مسیحیت در بلاشفار (ناحیه‌ای در شرق بیت گرمه در اطراف شهر کنونی حلوان) اشاره کرد. از خاطره این کشتارها در اعمال آذرهرمزد، آناهید و پتیون یاد شده است.^۵ در تواریخ ارمنی غازار و یغیشه آمده است که یزدگرد بعد از آن، در دوازدهمین سال پادشاهی اش^۶ علیه مردم مسیحی منطقه قفقاز فرمانی صادر کرد که به واسطه آن، بزرگان ارمنستان، گرجستان، و آلبانیا می‌بایست به دین زردشتی تغییر دین دهند.^۷ پس از آنکه بزرگان و روحانیون قفقاز در

1. AMS 2.518.

۲. ۴۴۶/۴۴۵ میلادی.

3. *shuala*

4. AMS 2.518; Ibid. 519–30; Elishe 12; AMS 2.559–603.

5. AMS 2.530; *Chron. Arbel* 70–1;

گفته می‌شود تهم-یزدگرد، مجری تفتیش عقاید، نیز به مسیحیت گروید و سپس به شهادت رسید:

AMS 2.529–30; *BHO* 1136 [=249]. AMS 2.559–603.

۶. ۴۵۰/۴۴۹ میلادی.

7. *Lazar* 43–4; *Elishe* 17–8.

متن غازار به «همه بزرگان ارمنی» اشاره دارد. گزارش یغیشه یک نسخه غیرمحمول از فرمان را ارائه می‌دهد، و خواستار تغییر دین همه غیر زردشتی‌ها در شاهنشاهی است.

عین حال که وفاداری خود به شاه را اعلام کرده بودند، از این فرمان سر باز زدند، یزدگرد بزرگان را به دربار احضار کرد و آنان را مرعوب نمود تا اینکه به دین زردشتی گرویدند و مراسم قربانی زردشتی را انجام دادند.^۱ بزرگان ارمنی به محض بازگشت به ارمنستان به همراه روحانیون زردشتی، تغییر دین شان را پس گرفتند و شورش به رهبری /سپاراپت واردان مامیکونیان به راه انداختند.^۲ اوج این شورش در نبرد آواریر در سال ۴۵۱ اتفاق افتاد که اکثر سران قیام کشته یا دستگیر شدند.^۳ سرانجام، یزدگرد از خواسته خود عقب نشینی کرد اما تعدادی از زندانیان مسیحی را نگه داشت و تعدادی از آنها را در شانزدهمین سال پادشاهی اش،^۴ و در طول لشکرکشی هایش به شرق اعدام کرد.^۵

سومین سرکوب مذهبی معروف یزدگرد، این بار علیه یهودیان آسورستان/بابل بود که کمترین اطلاعات را از آن در اختیار داریم و فقط در منابع متأخر، همچون «رساله ربی شیرا» آمده است.^۶ با این حال، به نظر می رسد که یزدگرد در سال ۴۵۴/۴۵۵ مراسم جشن همگانی شبات را ممنوع کرد. این اولین مجموعه از اقدامات سرکوبگرانه ای بود که بعدها توسط جانشینش پیروز ادامه یافت، و با بستن مدارس خاخامی و اعدام رهبران یهودی به اوج رسید.^۷

نویسندگان قدیم دو دلیل ممکن برای این سرکوب ها آورده اند: تعصب دینی یزدگرد، بزرگان دربار او، و اشرافیت دین زردشتی، یا نگرانی های شاه درباره امنیت سازمان سیاسی ساسانی و وفاداری اتباع آن. گذشته از رساله های جدلی، توضیح اول چندین پرسش مهم درباره ایدئولوژی مذهبی یزدگرد، مشاوران او، و سازمان سیاسی ساسانیان در سده پنجم مطرح می کند که بسیار مفصل تر

1. Lazar 44–55; Elishe 27–51; Eznik 145–202.
2. Lazar 55–73; Elishe 54–140; BHO 1237–40 [=268–9].
3. Lazar 69–73; Elishe 106–121.

۴. ۴۵۴/۴۵۳ میلادی.

5. Lazar 86–106; Elishe 141ff.

یک گزارش متأخر از این رویدادها را می توان در سبتوس یافت:

G.V. Abgaryan ed., *Patmut' iwn Sebeosi* (Erevan, 1979) 64–5.
6. B.M. Lewin ed., *Letter of R. Sherira Gaon* (Haifa, 1921) 94–5.
7. Morony, "Sasanids," *EI2* 9.76; M.G. Morony, *Iraq After the Muslim Conquest* (Princeton, 1984) 319.

از آن هستند که در این مقاله مورد بررسی قرار گیرند.^۱ با این حال، توضیح دوم، یعنی موضوعات امنیت و وفاداری که درهم تنیده هستند، خود به خوبی به تحلیل انتقادی کمک می‌کنند. هم متون ارمنی و هم متون سریانی تصویر شاهی را ارائه می‌دهند که از دو موضوع به هراس افتاده است؛ یکی احتمال فعالیت‌های خرابکارانه مسیحیان، چه به صورت فیزیکی (در میدان نبرد یا بر سر میز مذاکره) چه به صورت روانی (تضعیف روحیه یا دعا برای شکست نیروهای شاه) و دیگری، این آینده مبهم که مدارا با فرقه‌های غیرزردشتی ممکن است خدایان را ناخشنود سازد.^۲ این منابع نگرانی یزدگرد از رفتارهای خرابکارانه مسیحیان را شاهی برای ترس بی‌اساس و غیرمنطقی او یا نفوذ منفی مشاوران زردشتی‌اش می‌دانند. با این حال، این وسواس شدید نسبت به امنیت را دست کم تا اندازه‌ای می‌توان به واسطه تشویشی که بین شاهان ساسانی این دوره شایع است توجیه کرد.

سپاهیان ساسانی بخش اعظمی از سده پنجم را در جنگ‌های مداوم و بی‌نتیجه با قبایل متحد هونی در مرزهای شمال شرقی به سر بردند. به نظر می‌رسد که سربازان اشراف‌زاده مسیحی قفقاز بخش زیادی از نیروهای نظامی این لشکرکشی‌ها در شرق را تشکیل داده باشند، در حالی که شهرهای زیادی در شمال شرق شاهنشاهی ساسانی جمعیت قابل توجهی از مسیحیان را در خود جای داده بودند.^۳ هریک از این گروه‌های مسیحی می‌توانستند در موقعیتی باشند که از جنگ‌های شاهانه جلوگیری کنند، با این حال شواهدی مبنی بر اینکه این عمل از آن‌ها سرزده باشد، موجود نیست.

۱. برای بحث درباره نقش آیین زروانی، پرستش زمان کیهانی به‌عنوان رأس دین زردشتی، در اعمال و ایدئولوژی شاهانه اواسط سده پنجم نک:

R.C. Zaehner, *Zurvan* (Oxford, 1955) 28–30, 39–47.

2. Lazar 42–4, 87.

3. Ehshe 9–13. Christensen, *L'Iran sous les Sassanides*, 210; A. Sh. Shahbazi, "Army I: Pre-Islamic Iran: 5 The Sasanian Period," *EIr* 2.496–9.

در شورای کلیسای دادیشوع در سال ۴۲۴ تأیید شده است که اسقف‌های نسطوری در شهرها و مناطق شمال شرقی ابرشهر، هارو، مرو و شایوتای (؟) گرگان حضور داشته‌اند:

Chabot, *Synodicon Orientale*, 43.

از سوی غرب، امپراتوری سازمان یافته، متمرکز و پرجمعیت روم تهدید محسوب می‌شد.^۱ از زمان کنستانتین به بعد، امپراتوران روم به سرنوشت مسیحیان خارج از مرزهای قلمرو خود علاقه نشان می‌دادند.^۲ براک خاطر نشان می‌سازد که مسیحی شدن امپراتوری روم، سخن‌پردازی‌های جهان‌شمول و مداخله‌جویانه امپراتوران مسیحی آن، و هم‌ذات‌پنداری بالقوه شهروندان روم با اعتقادات مسیحی، باعث ایجاد سوءظن شدید در وفاداری مسیحیان ساکن در ایران ساسانی شد.^۳ این مسئله در دید شاهان ساسانی به‌واسطه طغیان تعصبات مسیحی و بدتر از آن، به‌واسطه بهره‌برداری روم از جایگاه مسیحیان ساسانی، علت جنگ دانسته شد.^۴ به‌طور خاص، در طول پادشاهی یزدگرد دوم، یوهنان، اسقف کرخا، و فرمانده نظامی ارمنی، واردان، پس از آنکه با دولت ساسانی درگیر شدند، بلافاصله از روم درخواست کمک نظامی و معنوی کردند.^۵ یزدگرد حتی برای زیر سوال بردن وفاداری اتباعی که به میهن نزدیک‌تر بودند نیز دلایلی داشت. دست کم سه نفر از جانشینان شاپور دوم قربانی توطئه نجبای زردشتی شدند. این نجبا شامل خانواده‌های مهم، اشراف کم‌اهمیت‌تر، و روحانیون زردشتی پارسی، پهلو/پارتی، و مادی بودند و از مرگ مشکوک پدر بزرگ یزدگرد شادمان بودند و جانشین برحق او، شاپور، پادشاه ارمنستان را به قتل رساندند و در تلاشی بی‌نتیجه کوشیدند تا مانع برتخت‌نشینی بهرام پنجم (۱/۴۲۰-۴۳۸) شوند.^۶

فقدان امنیت داخلی و خارجی، یک دل‌مشغولی حیاتی بود که سیاست‌های یزدگرد را تعریف می‌کرد. در کتاب تاریخ کرخا اندکی پیش از توضیح حمله نخست یزدگرد به مسیحیان آمده‌است

1. Howard-Johnston, "The Two Great Powers," 158-69, 180-97; G. Greatrex, *Rome and Persia at War 502-532* (Leeds, 1998) 8-18, 43-59.
2. Eus. *VC* 4.8-13; Sozom. *Hist. eccl.* 2.15; Theod. *Hist. eccl.* 1.24; T.D. Barnes, "Constantine and Christians of Persia," *JRS* 75 (1985) 126-36.
3. Brock, "Christians," 7-11.
4. K. Holum, "Pulcheria's Crusade AD 421-22 and the Ideology of Imperial Victory," *GRBS* 18 (1977) 153-72; Z. Rubin, "Diplomacy and War in the Relations between Byzantium and the Sassanians in the Fifth Century," in P.W.M. Freeman, D.L. Kennedy eds, *Defence of the Roman and Byzantine East* (Oxford, 1986) 2.677-95; Schrier, "Syriac Evidence"; G. Greatrex, "Two fifth-century wars between Rome and Persia," *Florilegium* 12 (1993) 1-14.
5. Yohanan: *History of Karka* 520, Vardan: Lazar 63; Elishe 71-3.
6. Christensen, *L'Iran sous Les Sassanides*, 103-13; M.G. Morony, "Madjus," *EI2* 6.1110-1; M.G. Morony, "Mobadh," *EI2* 7.213-6; M.G. Morony, *Iraq*, 181-90, 280-6. Al-Tabari, *Ta'rikh* 1.850-1, 1.858-63; Lazar 18-9. Morony, "Sasanids," 75.

که پادشاه در دربار دست به تصفیة سیاسی زد و دختر خود و نیز تعدادی از نجبا را اعدام کرد.^۱ اینکه آیا این اعدام‌ها تلاشی برای از بین بردن توطئه‌ای در دربار بوده، مشخص نیست، چرا که این منبع توضیحی در این زمینه ارائه نمی‌دهد، اما چنین به نظر می‌رسد. کتاب تاریخ کرخا همچنین در همان بند ادعا می‌کند که یزدگرد هشت هزار زردشتی اخته شده داشت که به عنوان خدمتکاران شخصی اش فعالیت می‌کردند. شاهان ساسانی نیز همچون امپراتوران روم، خواجگان را به تاج و تخت پادشاهی وفادارتر و مخصوصاً برای خدمت‌گذاری در کاخ شاهی و دربار مناسب‌تر می‌دیدند.^۲ افزون بر این، یزدگرد دادگاهی سنتی که در آن شکایات علیه شاه شنیده می‌شد را برچید، شاید چون باور داشت این دادگاه زمینه‌ساز تخریب و انهدام حکومت است. اگرچه نویسنده ناشناس تاریخ کرخا این حوادث را برای به تصویر کشیدن ذات مستبد یزدگرد استفاده کرده است، اما شاید بهتر باشد این اقدامات را نمونه‌هایی از تلاش‌های شاه برای تأمین امنیتش و احاطه خود با خادمانی دانست که وفاداری‌شان به نحوی اثبات شده بود.

لازم به تذکر است که تعداد زیادی از مقامات همچون مهرنرسه، وزرگ فرمذار یزدگرد، که از پاکسازی‌های یزدگرد در دوران پادشاهی اش جان سالم به‌در بُردند، به وضوح زردشتیانی متدین بودند و حتی می‌توان آن‌ها را روحانیان زردشتی واقعی دانست که از فرمان شاه اطاعت می‌کردند.^۳ نظر به خوی کارشکنی و یا حتی نافرمانی آشکار اشراف زردشتی بعد از مرگ شاپور دوم، این امر شاید دور از انتظار به نظر برسد. با این حال، روحانیون زردشتی که خود عضوی از اشرافیت زردشتی بودند، از دیرباز توسط پادشاهان ساسانی، به‌ویژه شاپور دوم، برای اداره امور مملکت به خدمت گرفته شده بودند.^۴ بهرام پنجم، پدر یزدگرد، پس از شروعی سخت، به سرعت

1. AMS 2.518-9.

2. A. Kolesnikov, "Eunuchs ii: The Sasanian Period," *EI* 9.65-6.

3. Mihr-Narseh: Nöldeke, *Geschichte der Perser*, 76, 108-12; W.B. Henning, "The Inscription at Firuzabad," *Asia Major* 4 (1953) 98-103; Morony, "Sasanids," 9.75; L. Bier, "Notes on Mihr-Narseh's Bridge Near Firuzabad," *Archaeologische Mitteilungen aus Iran* N.F. 19 (1986) 263-8. Magian officials: P. Gignoux, "Titres et fonctions religieuses sasanides d'après les sources syriaques hagiographiques," *AAntHung* 28 (1983) 191-203.

4. P. Gignoux, "Éléments de prosopographie de quelques mobads sasanides," *JA* 270 (1982) 257-69; Gignoux, "Church-State Relations,"; Morony, "Mobadh,"; Morony, *Iraq*, 281-6; S. Shaked, "Administrative Functions of Priests in the Sasanian Period," in G. Gnoli, A. Panaino eds, *Proceedings of the First European Conference of Iranian Studies* (Rome, 1990) 1.261-73.

رابطه دوستانه‌ای با اشراف و روحانیون زردشتی برقرار کرد که گزارش‌های عمدتاً مطلوب از دوره پادشاهی او در سنت تاریخ‌نگاری فارسی-عربی را توضیح می‌دهد.^۱ یزدگرد همکاری بهرام با اشرافیان زردشتی را ادامه داد. در واقع تواریخ عربی در چندین گزارش از حکمت، حکومت خوب، و تقوای یزدگرد خبر می‌دهند.^۲

منافع مشترک روحانیون زردشتی و دودمان ساسانی در دوره پادشاهی بهرام و یزدگرد، پیامدهای مهمی برای نخبگان شاهنشاهی ساسانی در پی داشت. به نظر می‌رسد ایمان یزدگرد به وفاداری روحانیون زردشتی و ترس از سرنگونی سبب شد در زمینه ادغام دین زردشتی درون ایدئولوژی شاهانه تلاش‌های بیشتری انجام شود. نهایتاً به نظر می‌رسد که یزدگرد و مقاماتش به صورت عمومی اعتقادات زردشتی (به احتمال زیاد زروانی) خود را بیان می‌کردند و در سطح بی‌سابقه‌ای، از آن برای سنجش میزان وفاداری به پادشاهی استفاده می‌کردند. میل شدید یزدگرد برای تأیید وفاداری نخبگان شاهنشاهی‌اش، جوهر روایت‌های سریانی و ارمنی درباره آزارهای دینی را تشکیل می‌دهد. این نکته به صورت مفصل در منابع ارمنی شرح داده شده است که نتیجه می‌گیرند مسیحیان نجیب‌زاده در قفقاز، به دلیل تحکیم روابط بیش‌تر با حاکمیت یزدگرد، مجبور به تغییر دین می‌شدند. در واقع غازار ادعای مهرنرسه را نقل می‌کند که «اگر آنان را با دین ما آشنا می‌کردید ... آن‌ها شما و سرزمین آریان‌ها را دوست می‌داشتند و امپراتور و دینش را رها کرده و از امپراتوری‌اش دوری می‌گزیدند».^۳

فرمان‌های سلطنتی «پرستش خورشید» و همچنین گزارش‌هایی درباره یأس مقامات ساسانی از کشمکش مسیحیان میان وفاداری‌شان به خدای خود و شاهنشاهی ساسانی که دارای عنوان الهی بود، مضامینی بسیار رایج در ادبیات شهادی مسیحی هستند.^۴ با این حال، برابر دانستن وفاداری و ایمان به دین زردشتی توسط یزدگرد و دیوان سالارانش سبب شد ایمان بدل به مسئله اصلی در سیاست دولتی شود. در ابتدا یزدگرد با بهره‌گیری از روحانیت زردشتی، با جدیت برای تغییر دین

1. O. Klima, "Bahram v. Bahram V Gor," *EIr* 4.518-9; W.L. Hanaway, Jr., "Bahram vi. Bahram V Gor in Persian Legend and Literature," *EIr* 4.519.

2. Al- abari, *Ta'rikh* 1.871; al-Mas'udi, *Muruj* 2.194.

3. Lazar 43, translation: Thomson, *History of Lazar*, 79.

4. Brock, "Christians," 11, 13-4.

نخبگانی که (از قرار معلوم به اشتباه) تصور می‌شد قلباً با برنامه‌های شاهانه زردشتی هم‌ذات‌پنداری می‌کنند، نجبای مسیحی که اصالت ایرانی داشتند و طبقه اشراف سالار قفقاز کوشش کرد. سپس شاه غیرزردشتی‌ها را به خاطر پیمان‌شکنی‌های احتمالی‌شان از مواضع قدرت خلع و فعالیت‌های دینی عمومی آن‌ها را محدود کرد.

در زمینه تغییر دین اجباری نیز مسیحیان سرشناس که چهره‌های اصلی دستگاه‌های اداری در بیت اربایه (ناحیه‌ای واقع در اطراف نصیبین)، حدیب و بیت گرمایه بودند مجبور شدند به نفع دین زردشتی تغییر دین دهند و یا در غیر این صورت باید با شکنجه و مرگ روبرو می‌شدند. هرچند که شواهد مسلماً مناقشه‌برانگیزند، اما خوانش دقیق شهادت‌نامه‌های سریانی نشان می‌دهد که مقامات زردشتی تنها به دنبال تغییر دین شاخه‌ای از جمعیت مسیحی بودند و این موضوع به واسطه مظلوم‌نمایی فراوان در انتهای داستان تحت‌الشعاع قرار گرفته است. به نظر می‌رسد مأموران تفتیش عقاید در ابتدا تنها نجبای محلی را هدف قرار داده بودند. دو تن از نجبایی که در کتاب *تاریخ کرخا* به صورت حاشیه‌ای گفته می‌شود هدف تفتیش عقاید قرار گرفته‌اند، اسامی مذهبی زردشتی یا ایرانی داشته‌اند (اسحاق پسر هرمزدگرد و اردشیر پسر ارزنیه).^۱ اگرچه این مورد به سختی می‌تواند نمونه آماری قابل اعتنایی باشد، اما هدف قرار دادن احتمالی نجبایی با اسامی ایرانی این گمان را به وجود می‌آورد که نخبگان مسیحی محلی در بیت گرمایه غالباً اشرافی بودند که از دین زردشتی برگشته و یا دست کم از خانواده‌هایی ایرانی بودند. این حدس به واسطه بندی در *رویدادنامه سیرت تقویت* می‌شود که بر اساس آن عقب‌لها ساکن مطران‌نشین بیت گرمایه در ربع اول سده پنجم، زردشتی مرتدی بود و همچنین روستایی در این ناحیه سابقاً به خانواده او تعلق داشت.^۲ شهیدان مسیحی بلاشفار یعنی آدور-هرمزد و دخترش آناهید آشکارا

1. AMS 2.521.

نجیب‌زاده سوم یعنی ابراهام کیه پدری ندارد. در ادامه این گزارش از زنی با نام ایرانی شیرین اسم برده می‌شود، AMS 2.529.

برای ریشه‌شناسی و بحث‌های دیگر رک:

F. Justi, *Iranisches Namenbuch* (Marburg, 1895) 9–10, 15, 34–5, 302–3.

2. *Chron. Si'irt*, 5.334 [=1.222].

مرتدانی زردشتی بودند و مرشد معنوی شان پتیون خود از اخلاف یک خانواده اشرافی زردشتی بود که به مسیحیت گرویده بود.

به نظر می‌رسد به خاطر ماهیت گزینشی این اقدامات می‌توان گفت تلاش برای تغییر دین اجباری مسیحان بیش از حد بر نجبا و احتمالاً تنها بر آن دسته که ریشه‌های زردشتی یا ایرانی داشتند اعمال می‌شد. برخی از این نجبا مانند آدور-هرمزد و آناهید مرتد بودند و موبدان و شاهان نیز در طول حیات شاهنشاهی ساسانی با این گروه با شدت تمام برخورد می‌کردند.^۱ برخی دیگر همچون نجبای مسیحی نیز ممکن است صرفاً از بدو تولد زردشتی انگاشته شده و از طریق پیوندهایی چون فرهنگ، طبقه اجتماعی، و خانواده به نظام اشراف‌سالاری زردشتی ایران وصل بودند.

اما درباره قفقاز که منابع ارمنی ادعا می‌کنند یزدگرد کوشید نجبای خارجی و مسیحی را یک‌جا تغییر دین دهد، چه می‌توان گفت؟ اقداماتی که در این ناحیه انجام شد قطعاً دارای جنبه‌هایی عملی نیز بود. با توجه به اهمیت استراتژیک این منطقه در نزاع پایان‌ناپذیر ایران و روم، توسعه طبقه حاکم زردشتی در قفقاز به قصد حفظ سرسپردگی سیاسی منطقه صورت گرفت. به علاوه، این موضوع بیانگر آمیختگی سوال برانگیز ایمان زردشتی و وفاداری سیاسی به شاه ساسانی بود. نجبای قفقاز واجد جایگاهی منحصر به فرد در شاهنشاهی ساسانی بودند. در نسخه غازار از فرمان تحمیل دین زردشتی که توسط یزدگرد صادر شده بود، نجبای ارمنی برای شاه ایران «عزیز و سودمند» شمرده شده بودند.^۲ به باور گروسیان ارمنستان و ایران دارای میراثی مشترک بودند که در واژگان فرهنگی و اداری مشترک، سنت حماسی، و به‌ویژه در نهادهای اجتماعی مشابه‌شان نمود پیدا کرده بود.^۳ طبقه بزرگان قفقاز (نخاراریان، آراتانی) به‌مانند نخبگان ایرانی (وزرگان،

1. Brock, "Christians," 5; Morony, *Iraq*, 282, 300.

2. Łazar 43–4, translation: Thomson, *History of Łazar*, 80–1.

3. N.G. Garsoïan, "Prolegomena to a study of the Iranian elements in Arsacid Armenia," *Handes Amsorea* 90 (1976) 177–234; N.G. Garsoïan, "The Iranian Substratum of the *Agat'angelos* Cycle," in N.G. Garsoïan, T. Mathews, R.W. Thomson eds, *East of Byzantium* (Washington, 1982) 151–89; N.G. Garsoïan, "The Two Voices of Armenian Historiography," *Studia Iranica* 25 (1996) 7–44; R. Schmitt, H.W. Bailey, "Armenia and Iran II: Iranian Influences in Armenian," *Elr* 2.445–65:

منبع آخر درباره واژگان مشترک به‌طور مفصل بحث می‌کند.

آزادان) متشکل از یک طبقه اشراف سالار نظامی عمیقاً سلسله‌مراتبی و بسیار رقابت طلب بود که حول محور دسته‌بندی‌های خانوادگی سازمان یافته بود.^۱ خانواده‌های بزرگ ایران و ارمنستان به مانند هم املاکی محلی و نیز ساکنان شان را با استقلالی نسبی در اختیار داشتند.^۲ نجبای ایران و قفقاز سوی این شباهت‌های ساختاری، با یکدیگر روابط خونی نیز داشتند. به‌ویژه خانواده ارشاکونی که از سال ۴۲۸ بر حیات سیاسی ارمنستان تسلط داشت، شاخه‌ای از اشک‌ها بود که تا مدت‌ها پس از سقوط خاندان اشک‌های پارتی به دست ساسانیان، در شرق ایران صاحب‌نام بودند.^۳ افزون بر این طبقه اشراف سالار قفقاز در نیروی نظامی شاهنشاهی ساسانی شدیداً ادغام شده بود. از زمان پارتیان به این سو سربازان سواره‌نظام از طبقه اشراف ارمنی، گرجی، و آلبانیایی از ارکان اصلی ارتش ایران محسوب می‌شدند.^۴ این دسته‌های سواره‌نظام از مزایای شایانی بهره‌مند می‌شدند که از مهم‌ترین آن می‌توان به استقبال رسمی در دروازه سلوکیه-تیسفون از جانب یک صاحب‌منصب درباری بلندپایه و به دنبال آن بازدید شخصی شاه از درجات‌شان اشاره کرد که در فرهنگ اشراف سالاری نخبگان قفقازی و ایرانی امتیازی چشمگیر به شمار می‌آمد.^۵ در نهایت شواهد آشکاری وجود دارد که التزام بسیاری از بزرگان قفقازی به دین مسیحیت در بهترین حالت صوری بود. راسل در پژوهش مهم خود درباره دین زردشتی در ارمنستان اشاره می‌کند که رواج مسیحیت در ارمنستان حتی تا اواخر سده پنجم مطلق نبود.^۶ نباید فراموش کرد که غازار و یغیشه با ناراحتی فراوان اشاره می‌کنند که بسیاری از نجبای مسیحی آشکارا یا نهانی با برنامه‌های یزدگرد موافق بودند و برخی دیگر نیز به دین زردشتی گرویدند.^۷

1 . M.L. Chaumont, "L'ordre des préséances à la cour des Arsacides d'Arménie," *JA* 254 (1966) 471-97.

2 . N.G. Garsoïan, "The Arshakuni Dynasty," in R.G. Hovannisian, ed., *The Armenian People from Ancient to Modern Times volume I* (New York, 1997) 75-81:

این منبع نیز از ساختار اجتماعی ارمنستان باستان متأخر طرح کلی مفیدی ارائه می‌دهد.

3 . Christensen, *L'Iran sous les Sassanides*, 103-4; N.G. Garsoïan, *The Epic Histories (Buzandaran Patmut' iwnk')* (Cambridge, MA, 1989) 354-5.

4 . R.W Thomson, *Agathangelos* (Albany, NY, 1976) 18-20; Elishe 196-7; Christensen, *L'Iran sous les Sassanides*, 210; Garsoïan, *The Epic Histories*, 573-6; M.L. Chaumont, "Armenia and Iran ii: The Pre-Islamic Period," *EIr* 2.429.

5 . Elishe 44; Christensen, *L'Iran sous les Sassanides*, 210.

6 . J.R. Russell, *Zoroastrianism in Armenia* (Cambridge, MA, 1987).

7 . Łazar 39-42 (Varazvalan), 63, 66-7, 76-7 (Vasak of Siwnik'); Elishe 63-4.

شاید جای تعجب نداشته باشد که نجبای مسیحی قفقاز که در سپاه ایران خدمت می کردند، از تصفیه مسیحیان سپاه که در کتاب *تاریخ کرخا* توصیف شده مصون مانده بودند.^۱ اشراف سالاران قفقاز به دلیل میراث و فرهنگ مشترک با دنیای ایرانی و نیز اهمیت حیاتی شان در نیروی نظامی ساسانیان، هم اندازه دیگر خانواده های بزرگ ایران بخشی از طبقه عریض و طویل نخبگان ساسانی بودند. اما با ظهور مسیحیت، ارمنستان و سرزمین های اطراف آن جایگاهی مبهم بین ایران و انیران یافتند. سرانجام، تلاش های شاه ایران برای رها کردن بزرگان ارمنستان، گرجستان، و لازستان از باور غلط، این نجبا را واداشت از بین میراث و دین دست به انتخاب بزنند.^۲

در مقابل، در این سخت گیری ها بیشتر غیرزردشتی ها دست کم در ابتدا هدف هیچ گونه اجباری قرار نگرفتند. در تأیید این سخن می توان به یوحنا، اسقف کرخا، اشاره کرد که تا یک ماه پس از ظهور تفتیش عقاید، آزادی عمل داشت، در همین حال بسیاری از بزرگان محلی به زندان افتادند. به همین منوال یهودیان بابل ظاهراً از اقدامات برای تغییر دین اجباری کاملاً در امان بودند. با این حال غیرزردشتی ها از مناصب قدرت کنار گذاشته شدند و نمونه آن را می توان در اخراج مسیحیان از اردوگاه نظامی یزدگرد در شرق دید. افزون بر این غیرزردشتی ها متحمل محدودیت ها و تحقیرهای کوتاه فکرانه ای شدند که هدف شان کاستن تأثیر و تصویر عمومی ایشان بود. ممنوعیت جشن یهودی شبات و مصادره دارایی های مسیحیان از گویاترین نمونه های این اقدامات بودند.

در مقیاسی کلان تر، این سخت گیری ها یادآوری صاف و پوست کنده ای از قدرت شاه ساسانی بود. با این حال یزدگرد و صاحب منصبانش با بلندپروازی در پی آن بودند تا باور به دین زردشتی را معیار وفاداری شخصی به شاه قرار دهند. بر پایه این فرض، آزار و اذیت ها به واسطه تحکیم جایگاه سرسپردگان در دستگاه دیوان سالاری، سپاه و طبقه نجبا سبب پایه ریزی سازمانی حکومتی

1. *AMS* 2.518. Elishe 19–20:

یغیشه ادعا می کند که مسیحیان را مجبور کرده بودند خط مقدم را ترک نکنند.

2. Frye, *History of Ancient Iran*, 321:

این منبع ادعایی مشابه مطرح می کند.

بر مبنای تبعیت از دین زردشتی می‌شد. موبدان صاحب مناصبی در امور اجرایی شدند، نخبگان محلی یا به دین زردشت گرویدند یا امحا شدند و به‌طور کلی اقتدار سلطنت زردشتی تثبیت شد. اما در نهایت تلاش‌های یزدگرد با ناکامی روبرو شد. ماهیت آمرانه اقدامات یزدگرد در زمینه تمرکزگرایی موجب بروز مقاومت‌هایی مشکل‌آفرین و چالش‌هایی غیرقابل تحمل برای اقتدار شاهی شد که ناگزیر با خونریزی پاسخ داده شدند. هرچند این واکنش‌های خشونت‌آمیز در کوتاه‌مدت توانست از جلال و شکوه شاه و خادمان برگزیده‌اش حراست کند، اما در پیشبرد برنامه‌های شاه موفقیت‌آمیز نبود و ناگزیر از استواری سازمان سیاسی ساسانیان کاست. بعدها شاهان ساسانی با شیوه‌های دیگری زمام اداره متمرکز شاهنشاهی‌شان را به‌دست گرفتند، با این حال از هم‌پاشیدن بلندپروازی‌های یزدگرد نشان داد که دین زردشتی حکومتی نمی‌توانست
علاجی برای ناکامی‌های ساختاری سازمان سیاسی ساسانیان باشد